اسناد سیاسی: یادداشت از وزارت خارجه ایران به سفارت انگلیس

بجناب رانولد طامسن شارژدافر دولت انگلیس-11 شعبان 1295 البته در نظر آنجناب هست‏ و در زمان رجوع بنوشتجات وزارت جلیله امور خارجه که در دفتر آن سفارت فخیمه موجود است‏ بهتر در نظر محترم آنجناب واضح خواهد شد که پس از رفتن سردار شریفخان شریر مفسد سیستانی‏ رعیت دولت علیه ایران به آنطرف هیرمند و اقدام او به افسادی که مضر انتظام‏ و امنیت داخله و حدود سیستان بود مکررا وزارت امور خارجه از حسن مودت(و حقانیت) آن سفارت فخیمه مصرا خواهش نمود که قبول زحمت فرموده بتوسط فرمانفرمائی هندوستان‏ یا هر وسیله لازم دانند بافغانستان نصیحت بدهند که شریر مزبور را با سر حدداران ایران‏ ردو یا از سرحد بداخله افغانستان تبعید نمایند که دفع شرارت او بشود و هنوز همواره دولت‏ علیه ایران از اطمینان کاملی که بحقانیت و مودت اولیای فخام دولت انگلیس دارد منتظر است که از نتیجهء مساعدتی که دولت انگلیس در این باب ارائه خواهد نمود بهره‏مند و از شرارت سردار شریف خان آن صفحه امن و آسوده شود و از اتفاق اثری ظهور نیافته الان هم‏ شریر مزبور در آنطرف هیرمند آزاد نشسته مشغول افساد است که در این اثنا تاج محمد خان‏ سیستانی رعیت ایران که از اشرار و مفسدین سیستان و مدتی در طهران بهمین جهات در قید و حبس بود و چندی در این اواخر ترحما بطور آزادی در طهران مقیم بود در ایام مسافرت‏ با خیریت موکب فیروزی کوکب مبارک اقدس همایون شاهنشاهی دام سلطانه بفرنگستان فرصتی‏ بدست آورده فرار کرده خود را بسیستان رساند و بقلعه فتح نزد سردار شریفخان رفته و خیال‏ افسادهای شدیده در داخل سیستان و غیره دارد برخاطر آنجناب واضح است که هرگاه در اینباب اهتمامی نشود و امثال و نظایر برحاصل نماید رشته امنیت و انتظام آن حدود و داخلی‏ سیستان مختل خواهد شد و هیچ دولتی را مقدور نیست که اسباب شرارت و فساد را از برای‏ مملکت خود حاضر بلکه روبتزاید دیده ساکت نشیند.

لهذا از روی لزوم در کمال احترام زحمت داده خواهشمند می‏شود که بفرمائی‏ هندوستانو اولیای فخام دولت انگلیس مراتب را استحضار دهند تا در این خصوص نصحیت‏ قوی و تکلیف بافغانستان سخت فرمایند که این دو نفر را که شریر و مفسد می‏باشند بحشمت الملک‏ امیر قاین رد نمایند یا هر دو را بکلی از سرحد سیستان تبعید نمایند والا هرگاه نصحیت‏ دولت انگلیس در آنها تأثیر ننماید یا نصحیت کامل به آنها نشود و دولت ایران نظر بتکلیفی که کل دول در حفظ ممالک خود دارند برای نظم داخله مملکت‏ خود به هر تدبیر که لازم میداند درصدد دفع این دو نفر مفسد شریر از همسایگی خود برآید در نظر دولت حق‏شناسی و منصف مثل دولت انگلیس بهیچوجه حمل تعجب نخواهد بود و دولت ایران نیز منتظر نمی‏تواند بود که از دولت انگلیس در این باب بحثی و ایرادی‏ تحت نظر آورند چون این مسئله امر مهمی است با نهایت احترام خواهش میشود که جواب‏ را سریعا قلمی دارند تا تکلیف خود را دولت ایران معلوم نماید.

شارژدافر دولت انگلیس را نولدطامس-17 شعبان 1295 دوستدارا از مضمون مراسله‏ آن جناب مورخه 7 شعبان 1295 دایر بفقره حمایت دولت انگلیس در حق حاجی محمد جعفر صفر بعنوان جناب جلالتمآب معتمد الملک نگاشته و بسفارش تلگرافی دوستدار استناد نموده بودند استحضار حاصل نموده با کمال احترام زحمت می‏دهد که بدیهی است در صورتی‏ که از سفارت دولت انگلیس شفاها اظهار شود که حاجی محمد جعفر در حمایت دولت انگلیس‏ است و همیشه گمرک مال التجاره خود را صدی پنج داده وزارت امور خارجه از کمال حسن ظن‏ و اعتمادی که دارد بهمان مضمون که باطلاع آنسفارت فخیمه رسانده‏اند و بوزارت خارجه‏ اظهار داشته‏اند سفارش تلگرافی می‏دهد لیکن انصاف جبلی خود آنجناب فخامت نصاب‏ تصدیق خواهد نمود که پس از آنکه معلوم شد حاجی محمد جعفر کازرونی و پدر و مادرش‏ رعیت دولت ایران است و اینها چند برادر از مادرهای مختلفه میباشند.که یکی از آنها حاجی محمد حسین است که مادرش هندی است و اکنون در هندوستان است و مادر ما بقی‏ رعیت ایران است و حقا دلیلی ندارد که مستحق حمایت دولت انگلیس باشند و حاجی‏ محمد جعفر گمرک مال التجاره خود را بقاعده می‏داده است و اگر صدی پنج اخذ می‏شده سهوا از مال حاجی محمد حسین برادرش بوده که الان در هندوستان است بنیان دلیل استحقاق‏ حمایت او از دولت انگلیس مرتفع گردیده یک تلگراف سفارش نامه دلیل بر رعیتی او یا استحقاق‏ او بحمایت او از دولت انگلیس نخواهد بود هرگاه آنجناب مایل باشند مضایقه نخواهد بود که در اینباب با حضور آنجناب مجلس و مذاکره و رسیدگی کامل بعمل آید آیا اینکه اظهار فرموده‏اند علاوه بر گمرک معمولی غله در بوشهر نخواهی دیگر مطالبه مینمایند این فقره‏ در حق تجار داخله و خارجه غیرمعمول و غیر مرضی است.البته وزارت امور خارجه در رفع‏ این معامله نهایت تاکید را بفرمانفرمائی فارسی کرده و خواهد نمود.

یادداشت به سفارت دولت انگلیس-27 شعبان 1295 قریه مهران‏آباد در انواب اشرف‏ والا حاجی سیف الدوله بشخصی فروخته و حالا هم قریه مزبوره در جزو خالصجات دیوانی‏ ظهور نموده حاجی سیف الدوله میگوید:من این ملک را بمرحوم حاجی میرزا آقاسی قرار داده‏ سه هزار تومان بفروشم یکهزار و پانصد تومان بمن داده بودند که از مقام صدارت منفصل شدند می‏شود و سرمایه‏های معنوی را از بین می‏برد و تحصیلکرده‏ها را رویاروی هم قرار میدهد و مانع پیشرفت واقعی صنعت و تکنولوژی اصیل و حتی کشاورزی مدرن در ایران میگردد... حالا که بعضی از مهندسان ثروت اندوز را از خود رنجاندم،بهتر است توضیح دهم‏ که بعضی از آنها که وارد صنعت شده‏اند،کارشان از پزشکان بدهم بدتر است،زیرا اینها که به کمک دولت صنعتی را بنیاد گذاشته‏اند،خواه تراکتورسازی یا رادیوسازی،بعضی‏ در حقیقت مونتاژ وسیله ماشینی یا برقی را عهده‏دار شده‏اند،با استفاده از حمایت دولتها وام‏ دولت،یا تصویب نامه دولت،نه تنها تولید خود را که نامرغوب‏تر از خارجی است،گرانتر از آن می‏فروشند،بلکه به کمک دولت مانع از آن می‏شوند که جنس مشابه آن وارد ایران گردد و به بهانه حمایت از صنایع داخلی،هر چه می‏خواهند بر سر مردم می‏آورند و حال آنکه‏ گروه پزشکان پول دوست هر چقدر بدو خدای ناکرده بی‏اطلاع یا کم اطلاع باشند حد اقل‏ اجازه داده و می‏دهند که بیمار برود خارج و خودش را معالجه کند و جالبتر اینکه بسیاری‏ از پزشکان براساس اعتماد به نفس خواه برای کسب درآمد بیشتر یا شهرت ایران را ترک‏ گفته به خارج رفته‏اند.ولی از این مهندسان کمتر کسی این راه را در پیش گرفته است زیرا شرایط موجود در ایران را برای کسب ثروت و درآمد و شهرت،خواه از طریق پیمانکاری‏ یا در دست گرفتن مقامات اداری مناسب‏تر می‏دانند.اربابان دولت و ثروت و صنعت که‏ این روزها بر صنایع مونتاژ،فروشگاهها و کارخانجات گوناگون دست انداخته و به نام بخش‏ خصوصی معروف گردیده‏اند،اغلب از همین قماش و گرده هستند و پژوهش در زندگی ده‏ یا 20 سال قبل آنها و قیاس آنچه آن روز داشته‏اند با آنچه امروز در تصاحب دارند، نشان می‏دهد که واقعا از خود سرمایه‏گذاری نکرده‏اند و هرچه هست و نیست مولود" شانس‏"و"ابتکار"و پیوندهای گوناگونی است که داشته‏اند و هر تصمیم مفید و اجتماعی‏ را به نفع خود تفسیر و اجرا کرده‏اند و از هر تحول و رفت‏وآمدی به سود خود برداشت کرده‏اند. بقیه از صفحه 31 مطالبه باقی پول را کردم مرحوم مزبور قباله مرا بمیرزا یعقوب خان منشی سابق سفارت روس‏ داده که یکهزار و پانصد تومانی که بمن داده بودند از من پس بگیرند و قباله را بخودم بدهند منهم بتوسط سفارت دولت انگلیس بحواله میرزا تقی خان امیر کبیر مبلغ مزبور را دادم‏ و قباله را گرفتم و الان حواله میرزا تقی خان که سند وصول این یکهزار و پانصد تومان می‏باشد در دفتر خانه سفارت دولت مشارالیها ضبط است حسب الامر الاقدس الاعلی با احترام تمام‏ زحمت میدهد که قبول زحمت نموده قدغن نمائید بدفتر سفارت رجوع نمایند که آیا چنین‏ سندی هست یا خیر و وزارت خارجه را قرین استحضار دارند.